

## جایگاه اهل البیت رسول اکرم(ص) از منظر مذاهب اسلامی اهل سنت

مولوی احمد صارمی

مدرس حوزه علمیه احمدیه

### چکیده

هیچ شکی نیست که اهل بیت رسول الله(ص) در میان اهل سنت، مقام بلندی دارند و اهل سنت برای آن بزرگواران احترام بسیاری قائل هستند و حقوق آنها را آن گونه که خداوند در شریعت اسلام قرار داده است رعایت می کنند. آنان را دوست دارند و محبت و موالات شایسته‌ای نسبت به آنان داشته و دارند و به سفارش پیامبر(ص) در خصوص آنان عمل می نمایند؛ همان وصیتی که در روز غدیر خم فرمودند: «اذْکُرْکُمُ اللّٰهَ فِیْ اَهلِ بَیتِی: شما را درباره رعایت حقوق اهل بیتم سفارش می کنم.» (ابن اثیر، ج ۲: ۱۴۰). گفتنی است که تمام اهل سنت بر وجوب محبت اهل بیت(ع) و تحریم آزار و بی ادبی قولی یا فعلی نسبت به ایشان اتفاق نظر دارند و با افتخار، کتاب‌های اهل سنت مملو از مناقب و فضایل اهل بیت(ع) است. محبت و دوستی اهل بیت پیامبر بزرگ اسلام(ص) از مسایل مهمی است که به اتفاق علمای اسلام از نشانه‌های ایمان شناخته شده؛ چنان‌که بغض و کینه نسبت به آنان نیز از نشانه‌های نفاق شمرده گردیده است بر این مبنا، اهل سنت در نمازهای خود به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) درود می فرستند و نماز را بدون این درود ناقص می دانند. در خطبه‌های نماز جمعه اهل سنت نیز که به زبان عربی خوانده می شود، این عبارت جزء عبارات اصلی است: «الحسن والحسین سیّدا شباب أهل الجنّة، وأنّ فاطمة سیّدّة نساء أهل الجنّة». همچنین علمای اهل سنت، فاجعه‌ای که در کربلا رخ داد و شهادت امام حسین(ع) را محکوم می کنند. در این مقاله، جایگاه اهل بیت(ع) از منظر قرآن و سنت فقها و مجتهدین اهل سنت بررسی گردیده است.

کلید واژه‌ها: اهل بیت(ع)، اهل سنت، محبت، مودت، حضرت علی(ع)، وحدت.

بی شک عشق و علاقه به اهل بیت پیامبر اکرم(ص) ریشه در ایمان دینی مسلمانان دارد و ابراز محبت به آن حضرات، در بین مسلمانان آن اندازه گسترده و فراگیر است که با اطمینان کامل می‌توان گفت که دوستی با اهل بیت(ع) یکی از وجوه اشتراک و اتحاد همه مذاهب اسلامی قلمداد می‌شود. عشق و ولای آن حضرات اختصاص به مذهبی خاص ندارد؛ بلکه امت اسلامی اعم از اهل تسنن و تشیع به ایشان هم به لحاظ وصل به پیامبر(ص) و هم به لحاظ فضائل شخصی عشق می‌ورزند و با نوشتن کتاب و مقاله و اقتدای در رفتار، این عشق را ابراز داشته و چنین اظهار علاقه‌ای را سبب تقرب به پیشگاه خداوند متعال می‌دانند و برای آن، اجر و پاداش اخروی را انتظار داشته و دارند.

مسلمانان با وجود همه اختلافات علمی و فکری و وجود جریان‌ها و مکتب‌های فقهی و کلامی گوناگون که در میان آنهاست، نگاه ویژه‌ای به اهل بیت پیامبر(ص) و جایگاه رفیع آنان در اسلام داشته و آنان را مرجع علمی و الهام‌بخش خود در همه علوم اسلامی می‌دانند. نقش و جایگاه حضرت علی(رض) در پیشبرد اسلام در عصر پیامبر(ص) و بعد از آن، مورد اتفاق همه مسلمانان است و این حقیقت را می‌توان از سخنانی که از خلفای راشدین(رض) در مورد ایشان وارد شده، بهتر دریافت شود.

از بین حضرات اهل بیت(ع)، سیره و زندگانی حسنین(رض) با توجه به تغییر شرایط اجتماعی زمان آن دو بزرگوار می‌تواند امروز بهترین الگو برای امت اسلامی باشد تا در مسیر اصلاح جامعه با اقتدار به اقدام صلح جویانه‌ی امام حسن(رض) بستر صلح و همزیستی، وحدت و همدلی را برای امت اسلامی فراهم سازند و با اقتدا به قیام آزادی‌خواهانه امام حسین(رض) طاغوت‌های یزیدی عصر را به زانو در آورند.

#### واژه شناسی اهل بیت(ع)

معنای لغوی: «اهل» و «آل» در لغت به معنای «اهل مرد» و نزدیک‌ترین مردم به «اهل الدار» است که بالطبع شامل همسر، فرزندان و نوه‌ها می‌شود.

معنای اصطلاحی: به «اهل بیت پیامبر(ص)» اطلاق می‌شود که استعمالی قرآنی است و مسلمانان به تبعیت از قرآن، آن را به کار می‌برند.

اهل بیت(ع) در نظر اهل سنت چه کسانی هستند؟

واژه «اهل البیت» دو بار در قرآن کریم ذکر شده است؛ یک بار برای خاندان ابراهیم(ع) و یک بار در آخر آیه ۳۳ سوره احزاب که خداوند از اراده خود بر تطهیر اهل البیت، خبر می‌دهد. در طول تاریخ، این آیه از جنبه‌های مختلف مورد بررسی دانشمندان علوم اسلامی قرار گرفت است که یکی از این جنبه‌ها و زوایا، تعیین مصداق برای اهل بیت(ع) است که اهل سنت در این زمینه چند نظریه را مطرح کرده‌اند:

۱. منظور فقط همسران پیامبر(ص) است.
۲. منظور همسران پیامبر(ص) و حضرت علی(رض)، فاطمه(رض)، امام حسن(رض) و امام حسین(رض) است.
۳. منظور کسانی است که در عرف، جزو خاندان آن جناب به شمار می‌روند؛ چه همسران ایشان و چه خویشاوندان و نزدیکانش، یعنی آل عباس، آل عقیل، آل جعفر و آل علی.
۴. منظور از کسانی هستند که صدقه بر آنان حرام است و اینان شامل آل علی، حسن بن علی و حسین بن علی(رض) می‌باشند.

۵. اعضای خاندان پیامبر(ص) و نیز حضرت سلمان بر اساس روایت مشهور «سلمان منا اهل البیت» جزو اهل بیت‌اند.

تقریباً همه تفاسیر اهل سنت در کنار بیان نظریات دیگر، در شأن نزول این آیه(تطهیر) روایاتی نقل کرده‌اند که اهل بیت(ع) پیامبر را همسران پیامبر(ص)، حضرت علی، حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین(رض) می‌دانند. آنان روایت مشهور ام سلمه و آل کسا(عبا) را نقل کرده‌اند و همه آنان، پنج تن آل عبا را جزو اهل البیت(ع) می‌دانند. برای نمونه به برخی از تفاسیر اهل سنت که به این روایات یا مضمون آنها اشاره کرده و قبول کرده‌اند اشاره می‌شود:

۱. تفسیر فخر رازی (مفاتیح الغیب، ج ۲۵: ۱۶۸)
۲. تفسیر ابی حاتم (تفسیر القرآن الکریم، ج ۹: ۳۱۳۲)
۳. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان نظام‌الدین نیشابوری (ج ۵: ۴۶۰)
۴. تفسیر الدر المنثور سیوطی (ج ۵: ۱۹۸)

## اهل بیت(ع) از منظر آیات قرآنی

آیات زیادی در قرآن در مورد فضایل اهل بیت(ع) آمده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود.

۱. «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا:

و غذای خود را با این که به آن علاقه و نیاز دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می دهند و می گویند: ما شما

را به خاطر خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.» (دهر، ۸ و ۹)

امام فخر رازی در تفسیر الکبیر، ذیل همین آیه، قاضی بیضاوی در انوارالتنزیل، سیوطی در الدرالمثور، ابوالفداء

در تاریخش و بغدادی در تاریخش تصریح نموده اند که این آیه در شأن اهل بیت پیامبر(ص) نازل شده است (تاریخ

ابی الفداء، ج ۱: ۱۲۶؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳: ۱۹۱).

۲. آیه یشری: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ:

برخی مرد مانند که از جان خود در طلب رضایت خداوند در گذرند و خداوند متعال دوست دار چنین

بندگانی است.» (بقره، ۲۰۷)

حضرت ابن عباس می فرماید که این آیه در شأن حضرت علی(رض) نازل شده؛ هنگامی که رسول خدا(ص) از

دست مشرکین مجبور به هجرت گردید و با حضرت ابوبکر(رض) به غار ثور پناه برد و حضرت علی(رض) در

رخت خواب پیامبر خوابید (مستدرک الحاکم، ج ۳: ۴). تعدادی از علمای اهل سنت نیز تصریح نموده اند که این آیه

در «لیله المبیت» بر پیامبر(ص) نازل شده است که عبارتند از: امام احمد بن حنبل (مسند احمد، ج ۱: ۳۴۸)، ابن

سعد (طبقات ابن سعد، ج ۱: ۲۱۲)، ابن هشام (سیره ابن هشام، ج ۲: ۲۹۱)، ابن اثیر (کامل ابن اثیر، ج ۲: ۴۲) و ابن کثیر (کامل

ابن کثیر، ج ۲: ۴۲)

۳. آیه مباحله: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَ

نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ:

هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، کسانی با تو، به محاجه و ستیز برخیزند، به

آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم،

شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم نفوس خود، آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را

بر دروغ گویان قرار دهیم.» (آل عمران، ۶۱)

امام احمد بن حنبل نقل می کند، هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر(ص) امهات المومنین، علی، فاطمه، حسن، و حسین(رض) را خواست، آن گاه عرض کرد: «بار خدایا اینان اهل بیت من هستند.» (مسند احمد، ج ۱، ص ۱۸۵) مفسرین اجماع دارند بر این که مراد از «انفسنا» در این آیه، حضرت علی بن ابیطالب(رض) است که در این جا، از ایشان به نفس پیامبر(ص) تعبیر شده است.

۴. آیه مودت: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى:

بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم در خواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.» (شوری، ۲۳)

بیشتر عامه روایت کرده اند که بعد از نزول آیه فوق، از رسول اکرم(ص) سؤال شد، ای رسول خدا! نزدیکان شما که مودت آنان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ فرمودند: «علی، فاطمه، حسن، حسین.» حاکم نیشابوری به سند خود از حضرت علی بن الحسین(رض) نقل کرده که فرمودند: حضرت حسن بن علی(رض) بعد از شهادت حضرت علی(رض) خطبه ای ایراد فرمود و گفت: من از اهل بیته هستم که جبرئیل بر ما نازل می شد و از نزد ما به آسمان می رفت، من از اهل بیته هستم که خداوند پلیدی را از آنان دور کرد و آنها را کاملاً پاک نموده است، من از اهل بیته هستم که خداوند دوستی و مودت آنها را بر هر مسلمانی واجب کرده است خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يُقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» (المستدرک علی الصحیحین، ج ۳: ۱۷۲) این روایت را بسیاری از صحابه و تابعین از جمله سیوطی، طبری و احمد بن حنبل (مسند احمد، ج ۱: ۱۹۹) نقل کرده اند.

۵. آیه تطهیر: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا:

خداوند قطعاً می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت (پیغمبر) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.» (احزاب،

۳۳)

امام احمد بن حنبل از محمد بن مصعب روایت می کند که وی گفت: بر وائله بل اسقع که گروهی نزدش بودند وارد شدند، آنان از علی(رض) یاد کردند، چون برخاستند و رفتند، وائله گفت می خواهی تو را به آنچه از رسول خدا(ص) دیدم، آگاه کنم؟ گفتم: آری. وائله گفت: نزد رسول خدا(ص) رفتم تا از علی(رض) سراغ بگیرم. در انتظار او نشستم تا این که پیامبر(ص) وارد شد و به نزد علی و فاطمه(رض) رفت و آن دو در برابر او ایستادند و حسن و حسین(رض) را بر روی زانوان خود نشانند، آنگاه جامه یا عبایش را بر روی آنان کشید و آیه تطهیر سوره احزاب

را تلاوت کرد، پس از آن فرمودند: خدایا اینان اهل بیت من هستند و اهل بیت من سزاوارترند (مسند احمد، ج ۴: ۱۰۷).

### اهل بیت(ع) از منظر احادیث رسول اکرم(ص)

زید ابن ارقم می‌گوید: رسول خدا(ص) فرمودند: «ای مردم، دو امر و (چیز گران‌بها) را بین شما می‌گذارم و آن دو، کتاب خدا و اهل بیتم هستند، این دو از هم جدا نمی‌شوند تا این‌که در قیامت کنار حوض بر من وارد شوند.» (صحیح مسلم، ج ۴: ۱۲۲)

#### ۱. اهل بیت(ع) کشتی نجات

از جمله روایاتی که در آنها رسول خدا به معرفی اهل بیت پرداخته، روایات سفینه است. در این روایات، اهل بیت(ع) به صورت کلی معرفی شده‌اند، به عنوان نمونه؛ حضرت ابوذر می‌گوید: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: «آگاه باشید که مثل اهل بیت من همانند کشتی نوح برای قوم نوح است؛ هر کسی سوار کشتی شود، نجات می‌یابد و هر کسی از آن جدا شود، غرق خواهد شد.» (الصواعق المحرقة، ۱۲۱)

همچنین رسول خدا می‌فرماید: «اهل بیت من همانند باب حطه (که بنی اسرائیل مأمور شده بودند که از دری خاص با خضوع و خشوع وارد شوند و بگویند حطه تا گناهان آنان آمرزیده شود)، در بنی اسرائیل هستند. خداوند دستور داده است که برای فهم دین و عمل به دستورات آن و آموزش و ارتباط با خداوند و در یک جمله برای اثبات بندگی خود باید از کانال اهل بیت وارد شوند.»

ابوسعید می‌گوید: رسول خدا(ص) فرمود: «جایگاه اهل بیتم در بین امت همانند جایگاه باب حطه در بنی اسرائیل می‌باشد که هر کسی از آن وارد شود، آمرزیده می‌شود.» (مجمع الزوائد، ج ۹: ۱۶۸)

بنابراین هر کسی با محبت و سیره عملی اهل بیت زندگی کند، مورد آمرزش قرار می‌گیرد.

#### ۲. اهل بیت(ع) وسیله امنیت است.

رسول خدا(ص) در روایاتی این تأثیرگذاری مهم را برای اهل بیت خود در نظر گرفته که اهل بیت(ع) او، وسیله امنیت هستند. ایشان در بیانی چنین می‌فرمایند: «تا اینان در بین امت حضور دارند، امت امنیت دارند و عذاب‌هایی که بر امت‌های گذشته نازل گشته، بر آنان نازل نمی‌شود.» البته تمثیلی که رسول خدا بیان کرده است، حکایت از آن دارد که باید تا قیامت نیز چنین باشد، زیرا حضرت می‌فرماید: «ستارگان وسیله امنیت برای اهل آسمان‌ها قرار داده شده‌اند و اهل بیت من نیز وسیله امنیت برای امتم.» (همان، ۲۷۷)

### ۳- جنگ با اهل بیت (ع)، جنگ با رسول خدا (ص)

یکی از ویژگی‌های اهل بیت که در روایات بیان شده این است که رسول خدا (ص) هر گونه اذیت، آزار و جنگ با آنان را جنگ با خود می‌داند. به عنوان نمونه؛ حضرت ابوبکر (رض) می‌فرماید: «رسول خدا (ص) را دیدم که خیمه‌ای را برافراشته و بر کمان عربی تکیه کرده بودند و در حالی که در خیمه علی، فاطمه، حسن و حسین بودند، می‌فرمود: ای مسلمانان! هر کسی با اهل این خیمه صلح کند، با او صلح خواهم کرد و هر کسی با آنان جنگ کند، با او خواهم جنگید و هر کس آنان را دوست داشته باشد، او را دوست دارم.» (سنن ابن ماجه، ج ۱: ۱۹۷)

بدین سان رسول خدا (ص) به طور صریح جنگ و دشمنی با اهل بیت را جنگ و دشمنی با خود اعلام کرده است. این موضع‌گیری پیامبر (ص) اختصاص به این روایات ندارد؛ بلکه آن حضرت به شیوه‌های گوناگون این مسأله را ابراز داشته است. به عنوان نمونه؛ عمرو بن شاس اسلمی می‌گوید: «همراه حضرت علی (رض) در سفر به یمن رفتم، ایشان نسبت به من رفتار خوبی نداشت (چون حضرت جلو تخلف او را گرفته بود)، این رفتار حضرت علی (رض) را به دل گرفتم؛ وقتی به مدینه آمدم، در مسجد النبوی این قضیه را در جمع افرادی از صحابه گفتم و غیبت ایشان را کردم. این خبر به رسول خدا (ص) رسید، فردا صبح که به مسجد آمدم، دیدم رسول خدا در جمع عده‌ای از یارانش نشسته است و همین که چشمش به من افتاد، نظرش را به من دوخت تا این‌که در جایی نشستم. سپس رسول خدا فرمود: ای عمرو! به خدا قسم تو مرا اذیت کردی. گفتم: به خدا پناه می‌برم از اینکه شما را اذیت کنم، ای رسول خدا. پیامبر (ص) فرمود: ای عمرو، هر کسی علی را اذیت کند، مرا اذیت کرده است.»

این مسأله به قدری در بین مسلمانان صدر اسلام روشن و مسلم بوده است که صحابه هر گونه اذیت و آزار اهل بیت (ع) به خصوص حضرت علی (رض) را اذیت و آزار رسول خدا (ص) می‌دانستند. حتی بعد از ارتحال رسول خدا (ص) نیز چنین ارتباطی را بین حضرت علی (رض) و رسول خدا (ص) باور داشتند. به عنوان نمونه، عروه بن زبیر می‌گوید: شخصی در حضور حضرت عمر (رض) از حضرت علی (رض) بدگویی کرد. حضرت عمر (رض) با دستش به قبر رسول خدا (ص) اشاره کردند و پرسیدند: آیا صاحب این قبر را می‌شناسی؟ این محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب (ص) است. هرگز از علی (رض) بدگویی نکن، زیرا وقتی از او بدگویی می‌کنی، صاحب این قبر اذیت می‌شود (الریاض النضره، ج ۱: ۹۴). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود حضرت عمر (رض)، ارتباط تنگاتنگ حضرت

علی(رض) و نبی اکرم(ص) را به اندازه‌ای می‌بیند که توهین به ایشان در این جهان را موجب آزردن شدن رسول خدا(ص) در آن جهان می‌داند.

سهل بن سعد روایت می‌کند که رسول‌الله(ص) در جنگ خیبر فرمودند: «فردا این پرچم را به مردی می‌دهم که خداوند خیبر را بر دستانش فتح می‌کند، او خدا و رسولش(ص) را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست می‌دارند، آن شب صحابه(رض) درباره مردی که فردا پرچم اسلام را از دست رسول خدا(ص) تحویل خواهد گرفت، حرف می‌زدند. صبح که شد، همه صحابه(رض) به نزد رسول‌الله(ص) آمدند، در حالی که هر یک از آنان امید داشتند این افتخار نصیب آنها گردد، اما رسول‌الله(ص) فرمود: علی بن ابی طالب کجاست؟ گفتند: چشمانش درد می‌کند، فرمودند: کسی را بفرستید که او را بیاورد، علی(رض) را آوردند، رسول‌الله(ص) از آب دهان خویش به چشم‌های او مالیدند و برایش دعا کردند و ایشان شفا یافتند؛ به گونه‌ای که گویا هیچ چشم دردی نداشته‌اند، پس از این رسول اکرم(ص) پرچم را به علی(رض) دادند و ایشان گفتند: ای رسول خدا(ص) آیا با آنها بجنگم تا مثل ما شوند؟ پیامبر فرمودند: بین آنها برو، اول آنان را به اسلام دعوت بده و از وجوب حقی که خداوند بر آنان دارد، با خبر کن، به خدا سوگند؛ اگر خداوند یک نفر را به وسیله تو هدایت کند، از شتران سرخ‌مو برای تو بهتر است.» (صحیح مسلم، حدیث ۳۴۰۶)

#### حضرت ابوبکر(رض) و اهل بیت(ع)

امام بخاری از عقبه بن حارث روایت کرده است که یک بار حضرت ابوبکر(رض) و حضرت علی(رض) نماز عصر را خواندند و از مسجد خارج شدند، در بین راه امام حسن(رض) را دیدند که با همبازی‌های خود مشغول بازی است نزدیک رفتند و او را بر دوش خود سوار کردند و فرمودند: پدرم قربانت! چقدر با رسول‌الله(ص) شباهت دارد تا به پدر خود، حضرت علی(رض) از این گفته سیدنا ابوبکر(رض) خندید (صحیح بخاری، کتاب المناقب باب صفة النبی). همچنین حضرت ابوبکر(رض) می‌فرماید که حرمت پیامبر(ص) را در اهل بیت آن حضرت حفظ و نگهداری نمائید.

این اعتماد و دوستی بین ابوبکر و علی(رض) یک طرفه نبود. حضرت علی(رض) یکی از فرزندان را به نام ابوبکر نام‌گذاری کرده بود و در کربلا به همراه امام حسین(رض) به شهادت رسید (البدایه و النهایه، ج ۷: ۳۲۲). همچنین حضرت علی(رض)، محمد فرزند حضرت ابوبکر(رض) را همانند فرزند خویش پرورش دادند و کفالت



او را به عهده گرفتند و تا جایی مورد اعتماد قرار دادند که او را برای استانداری نامزد کردند و حتی آن حضرت از سوی عده ای از این بابت مورد انتقاد قرار گرفتند (سیمای کارگزاران علی ابن ابیطالب، ج ۱: ۷۲-۴۶۷)

اهل بیت رسول الله (ص) از دیدگاه حضرت عمر (رض)

حضرت عمر (رض) با وجود هیبت، قدرت و اجرای عدالتی که بین مردم داشت و با وجود این که دایم به امور خلافت مشغول بود، به شدت اهل بیت (ع) را مورد اکرام قرار می داد و آنان را بر فرزندان خود ترجیح می داد. حضرت حسین بن علی (رض) می فرماید: «روزی حضرت عمر (رض) به من گفت: فرزندم! چه خوب بود، همواره نزد ما می آمدی و با هم می بودیم. من نیز روزی نزد او رفتم، اما او با یکی از بزرگان صحابه مشغول سخن بود و دیدم فرزند عمر (رض) بیرون در منتظر است و اجازه ورود به او داده نمی شد، لذا من از همانجا برگشتم، بعد از آن وقتی حضرت عمر (رض) مرا دید فرمود: فرزندم چرا نیامدی؟! گفتم: من آمدم، ولی شما در جلسه ای مشغول سخن بودید و فرزندتان را دیدم که برگشتند، من نیز برگشتم، آنگاه حضرت عمر (رض) فرمودند: تو از عبدالله فرزند عمر به ورود سزاوارتری، زیرا ایمانی که در قلب ما ریشه دوانده در اثر لطف خدا و برکت شما (اهل بیت) بوده است.» (کنز العمال، ج ۷: ۱۰۵)

حضرت عمر (رض) در جایی درباره شخصیت حضرت علی (رض) می فرماید: «خوش بحالت، ای فرزند ابوطالب که صبح و شام می نمایی در حالی که مولای هر مرد و زن مسلمانی.»

ابی جعفر می گوید: «چون دروازه فتوحات به روی مسلمین گشوده شد، حضرت عمر (رض) تصمیم گرفتند که برای تمام شهروندان حقوقی مقرر کنند، بدین منظور عده ای از اصحاب پیامبر (ص) را برای مشورت فراخواندند عبدالرحمن بن عوف گفت: اول از خودت آغاز کن. عرض کردند هرگز، به خدا سوگند خویشان رسول الله (ص) را بر همه مقدم قرار می دهم، سپس سهم سایر بنی هاشم را تعیین می کنم که قبیله رسول خدا (ص) هستند. نخست سهم عباس، سپس سهم علی (رض) را مقرر نمود تا این که شهریه پنج قبیله را تنظیم کردند که آخرین قبیله بنی عدی بن کعب، قبیله خود او بود و برای حسنین (رض) سهمی جداگانه تعیین نمودند و آنها را در ردیف اصحاب بدر قرار دادند.» (ابویوسف، کتاب الخراج، ۱۳۰۲ق: ۲۴)

امام ابوحنیفه و اهل بیت (ع)

امام ابوحنیفه درباره شخصیت و مقام علمی امام صادق (رض) می فرماید: «والله ما رایت اقله من جعفر بن محمد»

(ابوزهره، الامام صادق: ۳۱)

روزی امام ابوحنیفه(ره) در مراسم حج، نزد امام صادق(رض) آمد و امام(رض) با او معانقه نمود و از احوال او و خانواده‌اش پرسید. فردی سوال کرد: آیا این مرد را می‌شناسی؟ امام(رض) فرمود: «من از احوال او و خانواده‌اش می‌پرسم و تو می‌پرسی آیا او را می‌شناسی؟ این ابوحنیفه، فقیه‌ترین مردم این شهر است.» (ابوالموید خوارزمی، جامع المسانید ابی حنیفه، ج ۲: ۳۷۶)

بر اساس روایت دیگری، فردی نزد امام ابوحنیفه آمد و گفت نذر کرده‌ام مقداری پول به امام عادل بدهم، پیشنهاد می‌کنی به چه کسی بپردازم؟ امام ابوحنیفه گفت: «اگر می‌خواهی امام عادل را بشناسی و مال خودت را به او رد کنی، پس او را به جعفر بن محمد بده.» (محمد تقی مدرسی، امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی: ۱۰)

امام ابوحنیفه یکی از حامیان جدی قیام زید بن علی به شمار می‌رفت. ابن بزازی در مناقب خود آورده است زمانی که زید بن علی زین العابدین(رض) در سال ۱۲۱ هجری علیه هشام بن عبدالملک قیام نمود، به امام ابوحنیفه گفته شد، چرا خودت همراه او قیام نکردی؟ در جواب فرمود: «امانت‌های مردم نزد من است، این امانت‌ها را به ابن ابی لیلی عرضه کردم و نپذیرفت، لذا ترسیدم که جاهلانه بمیرم.» در منابع متعددی آمده است که پس از آن، امام ابوحنیفه ده هزار درهم برای زید فرستاد و به فرستاده‌ی خود گفت: «عذر مرا برای زید بازگو کن.» امام صادق(رض) این حرکت امام ابوحنیفه را تحسین کرد و فرمود: «خداوند به ابوحنیفه رحم و شفقت نماید که محبت خود را به ما(اهل بیت) در کمک کردن به زید بن علی را ثابت نمود.»

روزی امام ابوحنیفه در مدینه منوره با امام باقر(رض) ملاقات کرد، ایشان فرمود: «تو همان ابوحنیفه هستی که با عمل به قیاس با احادیث جدم مخالفت می‌ورزیدی؟» امام ابوحنیفه فرمود: «پناه می‌جویم به خدای عزوجل از چنین امری! بنشین که تو را حرمتی بزرگ است همانند حرمت و احترام جدت(ص) که برترین درووها بر او باد.» امام باقر نشست و امام ابوحنیفه از ایشان پرسید: «مرد ضعیف‌تر است یا زن؟» امام باقر گفت: «زن» سپس پرسید: «سهم زن از میراث چقدر است؟» امام(رض) فرمود: «نصف سهم مرد» سپس امام ابوحنیفه فرمود: «اگر معیار نزد من، قیاس می‌بود برعکس کار می‌کردم.» سپس پرسید: «نماز، فضل بیشتری دارد یا روزه؟» امام باقر(رض) فرمود: «نماز» امام ابوحنیفه فرمود: «اگر قیاس ملاک حکم من می‌بود باید زن حائضه را به قضا آوردن نماز دستور می‌دادم نه قضا آوردن روزه.» سپس پرسید: «بول(ادرار) نجس است یا منی» امام فرمود: «بول» سپس امام ابوحنیفه فرمود: «اگر قیاس را ملاک قرار می‌دادم باید غسل را از بول واجب می‌داشتم نه از منی.» امام ابوحنیفه فرمود: «معاذالله از این که حکم به حدیث رسول خدا(ص) را ترک کنم و به قیاس عمل کنم. من خادم احادیث

رسول خدا(ص) و کمترین غلام بارگاهم.» سپس امام باقر(رض) حرکت کردند و رخسار ایشان را بوسیدند (سیره النعمان، علامه شبلی: ۲۴۵).

### امام شافعی و اهل بیت(ع)

امام شافعی نیز به ائمه و اهل بیت(ع) عشق می‌ورزید. وی درباره سیدنا علی(رض) می‌گوید: «در علی، چهار خصلت بود که اگر یکی از آنها در شخصی پیدا شود، مستحق تکریم و احترام است و آن زهد، علم، شجاعت و شرافت است.» امام شافعی همچنین می‌گوید که پیغمبر(ص)، علی(رض) را به علم قرآن اختصاص داد، زیرا پیامبر(ص) او را بخواند و به وی امر کرد تا بین مردم قضاوت کند و فتاواهای او را پیغمبر(ص) تأیید می‌کرد (ابوزهره، ۳؛ العقیده و الشریعه الاسلام، ۲۰۰).

یکی از موضوعاتی که در آثار امام شافعی بسیار دیده می‌شود و شهرت زیادی دارد و تأکید زیادی بر آن دارد، برتری اهل بیت(ع) و محبت آنان است. او در یکی از مناسک عظیم حج و در برابر جمعی از حجاج در منی در حالی که مخالفان اهل بیت(ع) نیز حضور داشتند و بیم خطر نیز برای ایشان بود، این گونه محبت خود را نسبت به اهل بیت(ع) اعلام کرده و گفت:

«یا راکباً قف بالمُحَصَّبِ من منی	و اهتف بقاعدِ خَیْفِهَا و النَاهِضِ
سَحَرًا إِذَا فَاضَ الحَجِیجُ إِلَى منی	فِیضًا کَمُلْتَظَمِ الفِرَاتِ الفَائِضِ
إِنِّی أُحِبُّ بنی النَّبِیِّ المِصْطَفِی	و أعدَّهُ منِ وَاجِبَاتِ فَرَائِضِی
إِنْ کَانَ رَفْضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ	فَلِیْسَ شَهِدِ الثَّقَلَانِ أَنِّی رَافِضِی»

(دیوان امام شافعی، ۹۳)

«ای سوارگان بر شن‌زارهای منی، سواره بمانید و به نشستگان دره‌ها و بلندی‌ها خبر دهید به زائرانی که سپیده‌دمان به مانند رود خروشان خراب به سوی منی سرازیر می‌شوند، بگویید: من دوست دارم اهل بیت مصطفی را و محبت آنها را از واجبات و فرائض می‌شمارم. اگر محبت اهل بیت رفض و کفر است، جن و انس بدانند که من رافضی هستم.»

از نکات برجسته‌ای که در اشعار وی یافت می‌شود، این است که او عشق و محبت خاندان پیامبر(ص) را از واجبات و فرائض می‌داند. امام شافعی معتقد است اگر کسی در نماز به خاندان نبوت درود نفرستد، نمازش صحیح نمی‌باشد:

«يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ

فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمْ

مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَأَصَلَاةَ لَهُ» (همان، ۱۱۵)

«ای خاندان نبوت، محبت شما فرضی است که از جانب خداوند در قرآن آمده است. همین در عظمت

شان شما کافی است، آن کس بر شما در نماز درود نفرستد، نمازش درست نیست.»

از جمله اشعار دیگر امام شافعی، شعری است که درباره ی حضرت علی(ع) سروده است

«إِنَّا عَبِيدٌ لِفَتْنِي أَنْزَلَ فِيهِ هَلْ أَتَى

إِلَى مَتِي أَكْتُمُهُ؟ إِلَى مَتِي؟ إِلَى مَتِي؟» (همان، ۵۹)

«ما چاکران آن جوانمرد هستیم که درباره او سوره هل اتی(انسان) نازل شده است. تا کی پنهان کنم؟ تا

کی؟ تا کی؟»

در اشعاری دیگر، امام شافعی به وضوح به شفاعت اهل بیت پیامبر(ص) اشاره می‌کند و امیدوار است که او را

در صحرای محشر شفاعت نمایند.

«لَئِنْ كَانَ ذَنْبِي حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ

فَذَلِكَ ذَنْبٌ لَسْتُ عَنْهُ أَتُوبُ

هُمْ شُفَعَائِي يَوْمَ حَشْرِي وَ مَوْقِفِي إِذَا

كثرتني يوم ذاك ذنوب» (همان، ۴۸)

«اگر گناه من محبت آل محمد(ص) است، از آن گناه توبه نمی‌کنم. ایشان روز حشر و به هنگام توقف

در صحرای محشر شفیعان من‌اند، اگر آن روز گناهانم فراوان باشد.»

امام مالک بن انس و اهل بیت (ع)

امام مالک بن انس از دوستان اهل بیت(ع) بود و در کتاب حدیث خود به نام الموطأ، ۴۰ حدیث از آنان و یا در

شان آنان نقل کرده است. او همچنین در حمایت از محمد نفس زکیه (یکی از اهل بیت(ع) که علیه بنی عباس قیام

کرد) فتوا صادر کرد و در این راه مجازات دید و سختی‌های بسیاری را تحمل نمود.

امام احمد بن حنبل و اهل بیت (ع)

امام احمد بن حنبل از همان ابتدای کار در زمان بنی عباس متهم به حمایت از علوی‌ها بود، به طوری که خانه

او و برادرش همیشه در معرض بازرسی و جستجو قرار می‌گرفت (الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۴: ۱۸۴).

در گفتگویی از پسرش نقل شده که می‌گوید: از پدرم درباره ی خلفای پس از پیامبر(ص) پرسیدم و در نهایت

گفتم علی بن ابی طالب چگونه است؟ پاسخ گفت: «پسرم، علی بن ابی طالب از اهل بیته است که کسی با آنها

قابل قیاس نیست.» یا این که او درباره خلافت حضرت علی (رض) می گفت: «خلافت زینت علی (رض) نیست، بلکه علی زینت خلافت است.» (همان)

در کتاب مسند احمد نیز در فضایل اهل بیت (ع)، حضرت علی (رض) و آل ایشان روایت ها و احادیثی را نقل می کند که نظیرش را هرگز در دیگر کتاب های حدیث نمی یابیم. از وی نقل شده است که در مورد جمله «علی قسیم النار و الجنة» گفت: پیامبر (ص) به علی فرمود: «لا یحبک الا مومن و لا یبغضک الا منافق» بنابراین علی، قسیم النار و الجنة است. (حدیث شماره ۹۵۰)

#### امام فخر رازی و محبت اهل بیت (ع)

وی هنگام تفسیر آیه «مودت» به نقل از صاحب «کشاف» این حدیث معروف را ذکر می کند: «هر کس بر محبت آل محمد از دنیا برود، شهید مرده است. هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، آمرزیده است. هر کس بر محبت آل محمد از دنیا برود، ملک الموت به او بشارت بهشت می دهد، نکیر و منکر هم به او بشارت بهشت می دهند. هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، چنان با جلال او را به بهشت می برند مانند عروسی که به خانه شوهر می رود. هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، دری از قبرش به بهشت گشوده می شود. هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، خداوند قبر او را جایگاه زیارت ملائکه رحمت قرار می دهد. هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، به راه و روش پیامبر و جماعت مومنین مرده است. هر کس با کینه آل محمد بمیرد، روز قیامت که می آید بر پیشانی او نوشته است: مایوس از رحمت خداست. هر کس بر بغض آل محمد بمیرد، کافر از دنیا رفته و بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.» (الکشاف، ج ۳: ۴۶۶)

امام فخر رازی به اهل بیت پیامبر (ص) نگاه ویژه ای داشت و با بزرگی زیادی از آن ها یاد می کرد و شأن و منزلت آنان را عظیم می شمرد که نشان دهنده محبت وی نسبت به خاندان پاک پیامبر (ص) می باشد. وی هنگام سخن در مورد جهر به بسم الله (بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم) می گوید: «به تواتر به ما رسیده است که علی بن ابیطالب، بسم الله را بلند می گفت و هر کس که در دینش از علی ابن ابیطالب پیروی کند، مسلماً هدایت شده است و دلیل آن این حدیث پیامبر است که فرمود: اللهم در الحق مع علی حیث دار.» (مفاتیح الغیب، رازی، ج ۱: ۱۶۸)

وی در مورد درود فرستادن به اهل بیت پیامبر (ص) می گوید: «دعا برای آل پیامبر (ص) مقام بسیار ارجمندی را ثابت می کند و به همین جهت، خداوند این دعا را در آخر تشهد نمازها واجب نموده که می گوید «اللهم صل علی

محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید» این مقام برای غیر آل پیغمبر(ص) نیست، تمام این‌ها دلیل است که محبت با خاندان پیامبر(ص) واجب است. (همان، ج ۲۶: ۵۹۶)

امام فخر رازی بعد از داستان مباحله می‌گوید: این آیه دلالت دارد بر این‌که امام حسن(رض) و امام حسین(رض)، دو فرزند رسول خدا(ص) هستند؛ چون وقتی پیامبر(ص) مأمور شد که پسران خود را در مباحله شرکت دهد، آن دو را شرکت داد، پس واجب است که بگوییم آن دو پسران ایشان بوده‌اند. فخر رازی سپس می‌گوید از جمله آیاتی که این معنی را تأیید می‌کند، آیه‌ای از سوره انعام است که می‌فرماید «ومن ذریته داود سلیمان» تا که می‌فرماید «و زکریا و یحیی» مشخص است که عیسی از ناحیه ما در منتسب به ابراهیم بود نه پدر، از این‌رو گاهی پسر دختر هم پسر خود انسان به حساب می‌آید (همان، ج ۲: ۴۱۳).

#### برخی از فضایل اهل بیت(ع)

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «خداوند نسل هر پیغمبری را از پشت خود او به ثمر رسانده، به جز نسل مرا که از پشت علی به ثمر رسانده است.» (ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، محب‌الدین طبری، ۳۰)

ام سلمه می‌فرماید از رسول اکرم(ص) شنیدم که می‌فرمود: «علی با قرآن است و قرآن با علی. این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا ورود به حوض کوثر.» (الاوسط الطبرانی، ینابیع الموده، ۳۳۸)

حضرت عایشه (رض) می‌فرماید: «هرگز فاضل‌تر از فاطمه، به جز پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش ندیدم.» (ینابیع الموده، ۳۳۸)

در صحیح ترمذی آمده است که پیامبر مکرم(ص) فرمود: «فاطمه پاره وجود من است. هر کس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است.» (ترمذی، ج ۲: ۳۱۹)

حضرت عایشه(رض) از رسول اکرم(ص) روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «هنگامی که روز قیامت برپا شود، منادی صدا می‌زند: ای مردم! سرهای خود را به زیر افکنید تا فاطمه، دختر محمد بگذرد.» (تاریخ بغداد، ج ۸: ۱۴۱)

پیامبر مکرم اسلام(ص) در بیماری وفاتش، هنگامی که بی‌تابی فاطمه را مشاهده کرد فرمود: «ای فاطمه! آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهان و بانوی زنان این امت، و بانوی زنان با ایمان باشی.» (مستدرک الصحیحین، ج ۳: ۱۵۶)

ابی سعید خدری از رسول اکرم(ص) نقل کرده که فرمودند: «حسن، و حسین، هر دو سرور جوانان بهشت‌اند.» (التاج، ج ۳: ۳۵۸)

یعلی بن مره از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است که فرمودند: «حسین از من است و من از حسین ام. خداوند کسی که حسین را دوست داشته باشد، دوست دارد.» (همان، ۳۵۱)

ابن کثیر در فضایل حضرات حسنین(رض) می‌گوید: «یاران گران‌قدر پیامبر چون حضرت ابوبکر صدیق، عمر فاروق و عثمان ذی‌النورین(رض)، به امام حسن(رض) و نیز امام حسین(رض) بی‌نهایت علاقه‌مند بودند، تا جایی که ابوبکر صدیق(رض) در هنگام سخن گفتن آنها را خطاب می‌کرد: «فداک ابی و امی» و پدر و مادر خود را فدای آنها می‌نمود که این، بیان‌گر اوج دوستی و علاقه او به آن حضرات بود.»

حضرت عمر فاروق(رض)، هنگامی که دیوان سربازان اسلام را تشکیل داد، برای امام حسن(رض) و امام حسین(رض) همراه سربازان جنگ بدر، هر نفری پنج هزار درهم، حقوق تعیین نمود؛ در حالی که به خاطر کمی سن‌شان در آن غزوه حضور نداشتند.

حضرت عثمان(رض) نیز نسبت به این دو بزرگوار، علاقه فراوان داشت؛ چنان‌چه در روزی که یاغیان خانه ایشان را محاصره کرده بودند، حضرت امام حسن(رض) در حالی که شمشیر در گردن داشت از ایشان دفاع می‌نمود، به طوری که حضرت عثمان(رض) نسبت به او احساس نگرانی کردند و با اصرار فراوان، از وی خواستند که به خانه برگردد (انتشارات مدحت ۱۳۸۸ امامان شیعه به روایت اهل سنت، فاروق صفی‌زاده، ۱۵۳).

#### اهل بیت(ع) از دیدگاه فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت به خاطر احترام و تعظیم ویژه‌ای که به خاندان پیامبر(ص) قائل هستند، صدقه را شایسته شأن آنان ندانسته و استفاده از آن را برای‌شان حلال نمی‌دانند. امام بخاری و مسلم، حدیثی را از ابوهریره روایت نموده‌اند که گفت: «باری حضرت امام حسن یک دانه خرما از خرماهای صدقه برداشت تا بخورد، رسول خدا(ص) فرمودند: کخ کخ (این کلمه‌ایست که در هنگام زجر کودکان به‌کار برده می‌شود) تا این‌که امام حسن(رض) آن را بر زمین اندازد، سپس فرمودند: آیا ندانستی که ما صدقات را نمی‌خوریم؟» امام مسلم در حدیث دیگری از عبدالمطلب بن ربیع روایت کرده که گفت: رسول خدا(ص) فرمودند: «این صدقات، چرک‌های مال مردمند و این‌ها برای محمد و آل محمد حلال نیست.»

فقهای اعلام، با استناد به روایات فوق، گفته‌اند که علت حرمت صدقه به اهل بیت پیامبر(ص) این است که صدقات مانند آب مستعمل می‌مانند و شایسته آل پیامبر و فرزندان رسول نیستند.

قابل ذکر است که تمامی فقهای مذاهب اهل سنت بر این امر اتفاق نموده و صدقات را بر اهل بیت(ع) حرام گردانیده‌اند. مولف هدایه در این کتاب می‌نویسد: «بایستی زکات به بنی هاشم داده نشود، زیرا رسول خدا فرمودند: خداوند بر شما چرک‌های مال مردم را حلال نکرده و به عوض آن، خمس را عنایت نموده است.» سپس این فقیه به بیان این مطلب پرداخته و می‌نویسد: «صدقه به آبی می‌ماند که توسط آن، فرض از ذمه انسان ساقط گردیده است. بعد بنی هاشم را توضیح داده می‌فرماید: آنان اولاد علی و اولاد عباس و اولاد جعفر و اولاد عقیل و اولاد حارث و بردگان آزاد شده آنها است.»

#### وحدت‌گرایی در سیره اهل بیت (ع)

یکی از نکات آموزنده سیره امام علی(رض)، دعوت به اتحاد و همبستگی و حرکت امت به سوی وحدت و اخوت و مودت اسلامی است. آن حضرت برای تحقق و تقویت وحدت تلاش‌های بسیاری نمود و در واقع، می‌توان گفت پایه‌گذار وحدت بود. به فرموده‌ی خود آن حضرت، «هیچ کس از من بر اتحاد و همبستگی امت محمد(ص) حریص‌تر نیست. من در این کار، خواستار پاداش نیکو از جانب خداوند و بازگشت به جایگاه نیکو هستم.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۲)

حضرت علی(رض) درباره ضرورت وحدت می‌فرماید: «مبادا در دین متلون و دو رنگ باشید. همبستگی و اتحاد در راه حق، اگر چه از آن کراهت داشته باشید، بهتر از پراکندگی در راه باطلی است که شما بدان مایلید، زیرا خداوند سبحان به هیچ کس، نه گذشتگان و نه آنها که هم اکنون هستند، در اثر تفرقه چیزی نبخشیده است.» (همان، خطبه ۱۷۶)

یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای حضرت علی(رض)، اتحاد و عزت مسلمین بود و در این راه، از هیچ تلاش و جهاد و استقامتی دریغ نکرد. ایشان اتحاد را موجب نزول رحمت، برکات و نصرت الهی و مایه عزت، رشد و اعتلای امت اسلامی می‌دانست و در مقابل، تفرقه و تشتت را فتنه شیطانی و نشان گمراهی می‌شمرد (همان، خطبه ۱۹۴ و ۱۱۹) و باز در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «همانا شیطان راه‌های خود را بر شما هموار می‌کند و می‌خواهد تا پیوند شما را با دین قطع کند و جماعت شما را به تفرقه مبدل سازد.» (همان، خطبه ۱۲۱)

شخصی از حضرت علی(رض) درباره سنت و بدعت پرسید، ایشان فرمود: «سنت عمل کردن به سیره و روش پیامبر (ص) و اقتدا به آن حضرت است و بدعت، چیزهایی است که دیگران پدید آوردند. جماعت، اهل حق است،

اگر چه اندک باشند و بدعت، تفرقه اهل باطل است اگر چه تعدادشان زیاد باشد.» (مجلسی، ج ۷۸: ۴۸)



به طور کلی می‌توان نقش اساسی اهل بیت(ع) در جهت وحدت را در چند محور عمده مورد توجه قرار داد:

۱. تأکید اهل بیت(ع) بر محوریت قرآن؛

۲. نقش اهل بیت(ع) در دفاع از اسلام و مبارزه با خرافات و بدعت‌ها؛

۳. تأکید اهل بیت(ع) بر سنت نبوی و تبلیغ، ترویج و انتقال آن و حفظ آن از تحریف؛

۴. تعلیم و ترویج ارزش‌های اخلاقی و زنده نگه داشتن روح معنوی اسلام.

#### نتیجه‌گیری

مهمترین و ارزشمندترین بحث حاضر، آن است که جامعه اسلامی تنها در صورت حفظ وحدت بین مذاهب و فرق می‌تواند به پویایی، مانایی، گسترش و شکوفایی خویش تحقق ببخشد و این مهم محقق نخواهد گردید، مگر آن‌که مسلمانان پیامون اصل مودت اهل بیت(ع) متحد گردند. زیرا تعلق خاطر پیروان مذاهب و فرق اسلامی نسبت به پیامبر عزیز اسلام(ص) و خاندان گرانقدر ایشان همواره موضعی مشترک، دیرینه و پایدار بوده است. در واقع، گرمی داشتن اهل بیت(ع) و اقتدا به سیره عملی پیامبر(ص) از سوی مسلمانان، موضعی فراتر از تقسیمات مذاهب اسلامی و اختلافات فقهی و تنوع و تکثر رأی در مسایل اجتهادی است. از این رو، این مودت و محبت، حقیقتی انکارناپذیر است و در عین حال، مناسب‌ترین مصداقی از «حبل‌الله» است که شایسته است مسلمانان به آن اعتصام ورزند و از تفرقه دوری گیرند. زیرا محبت و مودت اهل بیت پیامبر(ص) در میان مذاهب اسلامی واقعیتی دیرینه، فراگیر، مسلم و انکارناپذیر است که شیوه‌ای خودجوش و الهام گرفته از اصول و آموزه‌های بنیادی اسلامی می‌باشد و همواره در جوامع اسلامی مطرح بوده و پیوسته به عنوان وجه اشتراک مذاهب اسلامی در ایجاد وحدت و اتحادی لایزال در بین مسلمانان مورد توجه قرار گرفته است.

مهر اهل بیت پیامبر(ص) در میان اهل سنت، نه تنها شعار یا ادعایی مقطعی و از سر احساس تلقی نمی‌گردد؛ بلکه می‌بینیم که در عمل و در گوشه‌گوشه حیات فرهنگی خود، اهل سنت نشان داده‌اند که از سر اخلاص و ارادت تام به خاندان والا و پاک پیامبر(ص) عشق می‌ورزند و این مودت را مقدس می‌دانند و به آن مباحثات می‌کنند.

ما اهل بیت(ع) را تنها به اندازه وسعت دید و توانایی قلم بشری و به صورت سطحی معرفی نمودیم، اما اهل بیت(ع) که اوج کمال انسانیت و زینت عالم بشریت و ابهت خلقت‌اند، در گفتار همگان تجلی خاصی دارند و

همان‌گونه که دیدیم هر کسی از دیدگاه و زاویه‌ای، آنان را به ما شناسانده است. امید است که خداوند متعال توفیق بدهد تا این‌که سیره علمی آن حضرات در زندگی و اجتماع امت اسلامی به صورت عینی پیاده گردد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

امامان شیعه به روایت اهل سنت، فاروق صفی زاده

البدایه و النهایه

تاریخ ابی الفداء

تاریخ بغداد

تاریخ کامل ابن اثیر

تفسیر ابن کثیر

تفسیر الدر المنثور للسیوطی

تفسیر انوار التزیل بیضاوی

جامع المسانید

دیوان امام الشافعی دارالکتب العربیه

الریاض النضره

سنن الترمذی

سنن این ماحبه

سیره ابن هشام

سیمای کارگزاران علی بن ابیطالب

صحیح بخاری

صحیح مسلم

الصواعق المحرقه

العقیده و الشریعة الاسلام ، محمد ابوزهره

الكشاف للزمخشري

كنز العمال

مجمع الزوائد

المستدرک علی الصحیحین

مسند امام احمد بن حنبل

مفاتیح الغیب امام فخر رازی

نهج البلاغه

ینابیع الموده